

۲-۱۸۹۸

به نام خدا

شمع و پروانه

نویسنده:

پریا حاج فتح‌میان

ویراستار:

۱. امیردیوانی



سرشناسه : حاج فتحعلیان، پریا، ۱۳۷۶ -

عنوان و نام پدیدآور : شمع و پروانه / نویسنده پریا حاج فتحعلیان.

مشخصات نشر : قزوین: پرک، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری : ۸۰ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک : 978-622-6263-00-9

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : نثر فارسی - قرن ۱۴

موضوع : Persian prose literature - 20th century

رده ی کتبه : PIR ۸۳۴۱ الف ۱۳۹۷۳۶۳

رده یان دیویی : ۸۶۲/۸۶۸

شماره کتابشناسی : ۵۳۹۸۱۸۶

Parak.publication@Gmail.com

قزوین ۳۳۳۳۳۳۳۳ و ۳۳۳۳۳۳۳۳-۲۸۰



نام کتاب: شمع و پروانه

نویسنده: پریا حاج فتحعلیان

ویراستار: ا. امیردیوانی

صفحه آرا: لایلا یاز

طراح جلد: سیمین سررشته داری

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

لیتوگرافی و چاپ: سیب گرافیک / عطا

شابک: 978-622-6263-00-9

قیمت: ۱۳۰۰۰ تومان

فهرست عناوین

۷.....	مقدمه
۱۱.....	رویای شیرین
۱۳.....	آن گاه که تو را شناختم!
۱۶.....	مرگ خاموش
۱۹.....	پرواز به سوی آسمان
۲۱.....	عشق آسمانی (خدا)
۲۳.....	ایزد پناه
۲۵.....	زمزمه
۲۸.....	دل تنگی
۳۰.....	آرامش دل های توفانی
۳۲.....	ترس از فراموشی
۳۴.....	حسرت!
۳۶.....	عشق سوزناک!
۴۰.....	شاهد غایب
۴۳.....	دختر
۴۵.....	مادر
۴۷.....	قلب های بی پرده
۴۹.....	نماز
۵۱.....	در همین لحظه از زندگی ...
۵۹.....	بهار زندگی
۶۴.....	گذری عاشقانه
۶۹.....	آوای خوش بختی
۷۲.....	رهگذران این شهر ...
۷۷.....	دنیای کودکانه

شمع، این مسئله را بر همه کس روشن کرد
که توان تا به سحر، گریه‌ی بی‌شیون کرد
«صائب تبریزی»

شمع بی‌پروانه را مانم که از بی‌همدلی
هر چه دارم، اشک می‌سازم نثار خوشتن
«بهادر یگانه»

شمار حسن، تمکین، شیو، عشق است بی‌تابی
به پایان تا بسد یک شمع، صد پروانه می‌سوزد
«صائب تبریزی»

شمع اگر پروانه را سوزاند، خیر از خود ندید
آه عاشق زود گریه، من معشوق را
«دهقان بامانی»

شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمع‌اند
بی‌رحم، بیا رحم به تنهایی ما کن
«ملا شوکتی»

پروانه و شمع در ادبیات، نماد عاشق و معشوق بوده‌اند و در بسیاری از اشعار و روایات زیبای ادبی، داستان‌ها و تمثیل‌هایی در مورد عشق پروانه به شمع آورده شده است. این کتاب، تحت عنوان «شمع و پروانه»: مجموعه‌ای از دل‌نوشته‌ها و بازتاب احساس نویسنده است و ساختار از پیش تعیین شده ندارد. دل‌نوشته‌ها درآمدی برای حرف‌های دل هستند. نویسنده‌ی دل‌نوشته وقتی بخواهد بنویسد خواستش غیر ارادی است.

در اشعار، پروانه مصداق عاشقی است که مستانه به طرف نیستی می‌رود. این حرکت به طرف نیستی زمانه در پرواز آغاز می‌شود که او شعله شمع را مشاهده کند. موجودات دیگر نیز اگر بتوانند شمع جمال حق را بنگرند، همه پروانه‌وار در راه جمال و عشق جان بازی خواهند کرد چنان که «عطار» می‌فرماید:

یک ذره اگر شمع وصال تو بتابد

جان بر تو فشانند چو پروانه جهانی

در جای دیگر عطار همین معنی را بدین گونه بیان کرده است:

تو چو شمعی وین جهان و آن جهان

راست چون پروانه ناپروای تو

به قول «آندره ژید»:

«سعادت مثل پروانه‌ایست که روی برگ‌های گل به خواب رفته باشد. به

مجرد این که نزدیکش بروی، بال‌هایش را باز کرده و در فضا پرواز می‌کند.»

پروانه بودن، قلب پروانه‌ای می‌طلبد و این که در نگاه کسانی که معنی

پرواز را نمی‌فهمند هر چه اوج‌گیری کوچک‌تر می‌شوی.

اگر شمع نمی‌سوخت که پروانه آتش نمی‌گرفت ولی همیشه دستی هست که شمع را شعله‌ور کند تا پروانه بسوزد آن دست قصه‌ی روزگار است. گویی آن زمان که پروانه بال‌هایش سوخت، زمستان بود که از سرما شمع را در آغوش کشیده بود. عشق‌های پروانه‌ای، همان عشق‌های جاودانی هستند که اگر در پایان سوختن هم از پروانه بپرسی باز گوید: تو من هستم. شمع برای پروانه به‌سان دریایی می‌ماند که پروانه امواج آن است... . در ضمن، استاد گرامی، جناب آقای امیردیوانی که همواره لطف خود را به من ارزانی داشته‌اند کمال تشکر و قدردانی را ابراز دارم. استادی که سپیدی را بر تخته سیاه، زندگی نگاشت.

پریا حاج‌فتحعلیان

۱۳۹۷/۷/۳